



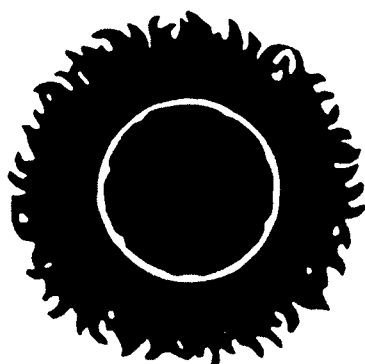
انتشارات آگاه

اخلاقِ علم وانجمن‌های علمی در ایران



معصومه قاراخانی و سید آیت الله میرزایی





اخلاقِ علم و انجمن‌های علمی در ایران

سرشناسه: اخلاق علم و انجمن‌های علمی در ایران / معصومه قاراخانی، سیدآیت‌الله میرزایی.

مشخصات نشر: تهران: نشر آگاه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶-۴۴۹-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۱-۱۶۸.

موضوع: علوم -- جنبه‌های اخلاقی

موضوع: Science -- Moral and ethical aspects

موضوع: مؤسسات علمی و آموزشی -- ایران

موضوع: Learned institution and societies -- Iran

شناسه‌ی افزوده: قاراخانی، معصومه، ۱۳۵۶ -

شناسه‌ی افزوده: میرزایی، سیدآیت‌الله، ۱۳۵۴ -

رده‌بندی کنگره: Q۱۷۵/۳۵

رده‌بندی دیویی: ۱۷۴/۹۵

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۶۱۹۸۹۸۲



اخلاق علم و انجمن‌های علمی در ایران

نویسندگان: معصومه قاراخانی و سید آیت‌الله میرزایی

چاپ یکم: زمستان ۱۴۰۰، طراحی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگاه

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰، تهران ۱۳۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۶۰۹۳۲، ۶۶۴۶۷۲۳۲

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۸۸,۰۰۰ تومان

این کتاب را به یاد و خاطره‌ی استاد گرامی،
جناب آقای دکتر قانعی‌راد، به پاس همکاری،
همفکری، همراهی و مشاوره‌های ارزنده و
اعتمادی که به ما داشتند تقدیم می‌کنیم.

فهرست

۹

مقدمه

- ۱۵ بخش یکم: اخلاق حرفه‌ای علم در انجمن‌های علمی: تجربه‌هایی از جهان
- ۱۷ فصل یکم: ساختار علم و انجمن‌های علمی
- ۳۷ فصل دوم: حرفه‌گرایی و اخلاق حرفه‌ای علم: رویکردها و مفاهیم
- ۹۱ فصل سوم: اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت انجمن‌های علمی در جهان
- ۱۶۵ بخش دوم: اخلاق حرفه‌ای علم در انجمن‌های علمی: تجربه‌هایی از ایران
- ۱۶۷ فصل چهارم: فضای هنجاری علم و انجمن‌های علمی ایران
- ۱۹۷ فصل پنجم: نگاهی از درون به انجمن‌های علمی ایران
- ۲۱۷ فصل ششم: فعالیت انجمن‌های علمی در صیانت از اخلاق حرفه‌ای علم
- ۲۴۷ فصل هفتم: حرفه‌گرایی انجمن‌های علمی و اخلاق حرفه‌ای علم

۲۷۳

نتیجه‌گیری

۲۸۱

پیوست

۲۹۱

منابع

مقدمه

اگرچه توسعه‌ی ابعاد شناختی علم مورد وفاق کنشگران علم بوده و همواره از سوی آن‌ها پی گرفته شده است، توسعه‌ی علم به مثابه یک فعالیت مدنی، بدون توجه به بن‌مایه‌های اخلاق علم، یا ممکن نیست یا آثار و نتایج مخربی بر جای خواهد گذاشت. در ایران، از دو دهه‌ی گذشته به این سو، به پژوهش‌هایی بر می‌خوریم که بر مسئله‌دار بودن اخلاق حرفه‌ای علم تأکید کرده‌اند. نویسندگان این کتاب بر این باورند که فرایند صوری و بالا به پایین توسعه‌ی علم در ایران به‌طور ماهوی حامل چنین آسیبی است و نظام علمی کشور برای صیانت از اخلاق حرفه‌ای علم نیازمند بهره‌مندی بیش‌تر از ظرفیت اجتماعات علمی، از جمله انجمن‌های علمی، است. تنوع، گستردگی و جایگاه انجمن‌های علمی — بالقوه — می‌تواند زمینه‌ی اخلاقی و حرفه‌ای توسعه‌ی علم را فراهم کند. گمان می‌رود انجمن‌های علمی، به‌ویژه به دلیل نقش غیررسمی‌شان در فرایند آموزش و جامعه‌پذیری اعضای خود و فاصله‌ی نسبی از سازوکار رسمی علم، دارای چنین قابلیت‌هایی باشند.

البته بر نقش اثرگذار انجمن‌های علمی در صیانت از شرافت علمی تأکید می‌شود و برخی از انجمن‌های علمی نیز در این زمینه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند، اما هنوز دانش تجربی و سیستماتیک اندکی درباره‌ی تأثیر انجمن‌های علمی بر حفظ شرافت علم و پیشگیری از کنش‌های غیرحرفه‌ای در علم وجود دارد. در بررسی نقش انجمن‌های علمی در ایران تنها به عملکردهای علمی آن‌ها

مانند برگزاری کارگاه، کنفرانس، همایش، میزان جذب متخصصان یک رشته‌ی علمی، عضویت آن‌ها در کمیسیون‌های تخصصی دولت و انتشارات (کتاب و مجله) اکتفا می‌شود و به نقش آن‌ها در توسعه‌ی اخلاق علم و حفظ شرافت علمی و دانشگاهی چندان توجهی نمی‌شود. پژوهش‌های موجود نیز اغلب به اهمیت انجمن‌های علمی و کارکرد آن‌ها در توسعه‌ی علم یا سیاست‌گذاری علم صرفاً در سطح نظری توجه داشته‌اند. هم‌چنین، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور مشخص به نقش انجمن‌های علمی در مورد عملکردها و وظایف‌شان درباره‌ی اخلاق علم در حوزه‌های تخصصی توجه نکرده است. در نوشته‌هایی که به کارکرد انجمن‌های علمی پرداخته‌اند نیز، به‌جز برخی از تحقیقات که بر اساس پیمایش یا مطالعات اسنادی به بررسی نقش انجمن‌های علمی در پاره‌ای از وظایف و نقش‌ها توجه کرده‌اند، درباره‌ی این کارکردها به‌طور جدی پژوهش نشده است. به‌ویژه این‌که نقش انجمن‌های علمی در صیانت از اخلاق حرفه‌ای علم موضوع پژوهشی مستقل نبوده است. از این رو، به منظور بازخوانی نقش و عملکرد انجمن‌های علمی در ایران، این کتاب می‌تواند جای خالی مطالعات مربوط به نقش انجمن‌های علمی را در این موضوع مهم تا حدودی پر کند.

کتاب پیش رو در دو بخش و هفت فصل تنظیم شده است. بخش اول کتاب با عنوان «اخلاق حرفه‌ای علم در انجمن‌های علمی: تجربه‌هایی از جهان»، شامل سه فصل است. در فصل نخست، با اشاره به اهمیت علم به‌مثابه یک حرفه، بر نقش اجتماعات علمی در توسعه‌ی علم تأکید می‌شود. موضوع کانونی این فصل مسئله‌داربودن اخلاق علم در ایران است و به نقش انجمن‌های علمی به‌عنوان رکن اجتماعات علمی و نمایندگان اصلی یک حرفه‌ی علمی می‌پردازد. در فصل دوم موضوع اخلاق علم، مسئولیت نقش حرفه‌ای و نیز اهمیت اجتماعات علمی به‌عنوان زمینه‌ای برای ایفای این نقش به بحث گذاشته می‌شود. با بررسی مفهوم اخلاق، به مباحث نظری و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی درباره‌ی اخلاق حرفه‌ای، انواع حرفه‌گرایی، نقش دانشمند و نیز اجتماعات علمی می‌پردازیم، سپس نقش حرفه‌ای انجمن‌های علمی را در چارچوب چهارگانه‌ی حرفه‌گرایی مایکل بوروی شرح می‌دهیم. این الگوی چهاروجهی

حرفه‌گرایی راهنمای این پژوهش تجربی در زمینه‌ی ایران نیز خواهد بود که نتایج آن در بخش دوم کتاب می‌آید. در فصل سوم، با استناد به تجربیات جهانی درباره‌ی عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه‌ی اخلاق علم، به توضیح دو دسته از کارکردهای انجمن‌های علمی می‌پردازیم: نخست، تجربیات مربوط به تنظیم و اجرای کدنامه‌های اخلاقی و دیگر فعالیت‌های انجمنی درباره‌ی اخلاق علم. سپس آنچه انجمن‌های علمی برای ترویج اخلاق حرفه‌ای می‌توانند انجام دهند خواهد آمد و در ادامه دشواری‌ها و موانع پیش روی انجمن‌ها در انجام این نقش توضیح داده خواهد شد. اشاره خواهیم کرد که هرچند در حال حاضر بسیاری از حرفه‌ای‌ها از مصادیق ناراستی‌های علمی آگاه‌اند و سازوکارهایی برای رسیدگی به تخلفات علمی در نظر گرفته شده است، این سوءرفتارها کاملاً از بین نمی‌رود و به‌عنوان بخشی از زندگی حرفه‌ای با ما خواهد ماند، بنابراین، آنچه اهمیت دارد به‌حداقل رساندن این سوءرفتارها و مدیریت ماهرانه‌ی آن‌هاست.

بخش دوم کتاب با عنوان «اخلاق حرفه‌ای علم در انجمن‌های علمی: تجربه‌هایی از ایران» کاملاً متمرکز بر مطالعه‌ی تجربی حرفه‌گرایی انجمن‌های علمی در ایران است. فصل چهارم از رویکردی انجمنی به توضیح فضای هنجاری علم در انجمن‌های علمی و عوامل مؤثر بر رواج هنجارگرایی علمی در ایران می‌پردازد. در فصل پنجم درباره‌ی ماهیت و کارکرد انجمن‌های علمی در ایران بحث می‌شود. فصل ششم و هفتم حاصل کاربرد دو روش کمی و کیفی و ارائه‌ی یافته‌های تجربی در این زمینه است. در این دو فصل درباره‌ی برداشت و تعریفی که رؤسای انجمن‌های علمی ایران از یک انجمن علمی دارند و وضعیت کنونی این انجمن‌ها در ایران بحث و هم‌چنین به نقش انجمن‌ها درباره‌ی حرفه‌گرایی، اخلاق حرفه‌ای و ارتقای شرافت علمی توجه می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش ساخت ابزاری برای بررسی ابعاد چهارگانه‌ی حرفه‌گرایی علم و سپس ساخت ابزار متناظر با ابزار پیشین برای سنجش ابعاد چهارگانه‌ی اخلاق علم است. آنچه در طرح ایده‌ی اخلاق حرفه‌ای علم در این پژوهش مدنظر است بر پایه‌ی ترکیبی از وظایف آکادمیک و فراآکادمیک است که برای یک حرفه‌ای فعال در علم متصور است، و این

وظایف را بنا به اقتضای موقعیت در انجام رسالت حرفه‌ای و اجتماعی خویش اجرا می‌کند. با برقراری ارتباط بین انواع حرفه‌گرایی و نوع انجمن علمی در ایران، رویکرد انجمنی به ارتقای اخلاق حرفه‌ای را در این انجمن‌ها بررسی و راهکارهایی برای صیانت از اخلاق حرفه‌ای علم توصیه کردیم. نیک می‌دانیم آنچه در این بخش ارائه می‌شود همه‌ی راهکارهایی نیست که می‌تواند به ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم در ایران یاری رساند. در سراسر این کتاب تلاش شده است تا روایت انجمن‌ها از موضوعات بررسی‌شده‌ای مانند تعریف اخلاق علم، تعریف انجمن علمی، توصیف فضای هنجاری علم، عوامل تأثیرگذار بر ناراستی‌های علم و راهکارهای حفظ شرافت علمی و اخلاق حرفه‌ای مطرح شود. این روایت‌ها برای خواننده همدلی بیش‌تری در شناخت وضعیت کنونی علم، اخلاق علم و جایگاه انجمن‌های علمی ایران فراهم می‌کند.

امیدواریم انتشار این کتاب بتواند به شناسایی اهمیت و نقش انجمن‌های علمی در صیانت از اخلاق علم بینجامد که این خود می‌تواند مقدمه‌ای برای توجه به جایگاه نهادهای مدنی و به‌ویژه انجمن‌های تخصصی در سیاست‌گذاری‌های علم در ایران باشد. از نظر ما علم فعالیت مدنی است و بدون کاربست ظرفیت‌های مدنی آن، به‌ویژه پتانسیل انجمن‌های علمی، حفظ شرافت حرفه‌ای و توسعه‌ی کیفی فعالیت‌های علمی و پژوهشی دشوار خواهد بود. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی از این دست برای شناسایی جایگاه انجمن‌های علمی — هم از بُعد وضعیت موجود و هم به منظور امکان‌شناسی فعالیت آن‌ها — راه‌گشا است. به‌ویژه وقتی که به نظر می‌رسد سازمان‌های علمی آموزشی و پژوهشی رسمی از انجام برخی نقش‌های خود وامانده‌اند، توجه به نقش انجمن‌ها و استفاده از دانش حرفه‌ای‌ها و متخصصان برای انجام این نقش‌ها با استفاده از سرمایه‌ی فرهنگی و انرژی‌های عاطفی موجود در انجمن‌های علمی اهمیت می‌یابد. حتی کارآمدی سازمان‌های رسمی آموزشی و پژوهشی نیز می‌تواند از طریق فعالیت‌های مشترک با انجمن‌های علمی هم‌افزا شود. توجه به نقش انجمن‌های علمی به‌عنوان نهادهای مدنی نسبتاً مستقل بسیار مهم است، بخصوص در شرایطی که به نظر می‌رسد یک شکاف بینشی و عملکردی میان

نقش و جایگاه نهادهای مدنی از جمله انجمن‌های علمی در ایران، به‌ویژه در میان نخبگان سیاسی و حکومتی، وجود دارد. اهمیت این موضوع در شرایطی که فضای علمی فعلی ایران از برخی ناراستی‌های آمیخته به علم و نهادهای علمی آسیب دیده است فزون‌تر هم می‌شود. این کتاب، علاوه بر این‌که راهنمای خوبی برای انجمن‌های علمی است تا بتوانند از طریق اتخاذ خط‌مشی‌هایی به صیانت از اخلاق حرفه‌ای علم کمک کنند، الگویی برای دانشگاه‌ها و سایر نهادهای آموزشی و پژوهشی در تدوین کدنامه‌های اخلاق حرفه‌ای و انجام اقداماتی در این زمینه نیز هست.

پژوهش و نگارش این کتاب با حمایت مادی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور میسر شد که همین‌جا مراتب قدردانی خود را از مدیران آن مرکز اعلام می‌داریم. در حالی که جلب همکاری برخی انجمن‌ها خود از دشواری‌های پیش روی این پژوهش بود، بسیار سپاسگزار رئیس یا اعضای هیئت‌مدیره‌ی انجمن‌هایی هستیم که صمیمانه با ما همکاری کردند و برای تحقق این پژوهش یاری‌مان رساندند. بدون همکاری و همراهی آنان گردآوری داده‌هایی که بتواند شاکله‌ی این کتاب را ممکن سازد امکان‌پذیر نبود. هم‌چنین، از کارکنان وقت کمیسیون انجمن‌های علمی، که در مرحله‌ای از گردآوری داده‌ها با ما همکاری داشتند، تشکر می‌کنیم.

در پایان از مدیر دانش‌دوست انتشارات آگاه، جناب آقای حسین‌خانی، و همکاران‌شان، به‌ویژه سرکار خانم نسرین اسدی‌جعفری که ویرایش متن کتاب را برعهده داشتند، سپاسگزاریم.

معصومه قاراخانی
و سیدآیت‌الله میرزایی

تهران، پاییز ۱۴۰۰

بخش یکم

اخلاق حرفه‌ای علم در انجمن‌های علمی:
تجربه‌هایی از جهان

فصل یکم

ساختار علم و انجمن‌های علمی

انجمن‌های علمی و مسئله‌ی اخلاق حرفه‌ای

در چند دهه‌ی گذشته توسعه‌ی بالا به پایین علم در ایران، که به‌طور عمده در رشد کمی علم (انتشار مقاله، افزایش رشته‌های علمی، دانشگاه‌ها و دانشجویان) نمود داشته است، مورد تأکید سیاست‌گذاران و حتی دانشگاهیان بوده است. صرف‌نظر از دامنه‌ی پیامدهای این شیوه‌ی رشد علم در ایران، توجه چندانی به زمینه‌های اجتماعی و الزامات هنجاری و حرفه‌ای علم نشده است. اگر هدف نهادی علم «توسعه‌ی دانش از طریق مجموعه‌ای از وسایل فنی و اخلاقی» (قانع‌ی‌راد، ۱۳۸۵: ۷۳) باشد، ضروریات دستیابی به این هدف باید از آغاز فهم و مهیا شود. منظور از این ضروریات توجه اساسی به اجتماعات علمی و به‌طور مشخص دو ویژگی هر اجتماع علمی حرفه‌ای، یعنی ارتباطات علمی و سپس نظامی از هنجارها و اخلاقیات کنش علمی است. الزامات و ضروریات یادشده نیز صرفاً از درون خود اجتماع علمی و از طریق حرفه‌ای‌های هر رشته‌ی تخصصی محقق می‌شود.

این فرض وجود دارد که حرفه‌ای‌های یک علم نسبت به معیارهای فعالیت علمی‌شان آگاهی دارند و به شرافت علمی پای‌بندند. اما همیشه این آگاهی در

رفتار و نگرش آن‌ها بروز نمی‌یابد. در حال حاضر انتشار عمومی سوءرفتار در علم توجه به سازوکارهای رسمی و غیررسمی که به ارتقای رفتار مسئولانه منتهی می‌شود را به میان آورده است. اما وضعیت مسئله‌مند اخلاق حرفه‌ای علم در ایران هم نشان‌دهنده ناآگاهی کنشگران علم از هنجارهای اخلاق حرفه‌ای علم و هم فاصله‌ی میان نگرش و کنش آنان است. چنان‌که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، اخلاق حرفه‌ای علم در ایران وضعیتی مسئله‌مند دارد^۱ و ساختار علمی و دانشگاهی موجود مقوم روحیه و اخلاق علمی نیست. مطالعات انجام‌شده در ایران در بین دانشجویان (ودادهیر، ۱۳۷۷) و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی (قانع‌راد و قاضی‌پور، ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دانشگاهی و دپارتمانی ضد‌هنجارپرورند تا هنجارپرور (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۰) و اجتماع دانشگاهی قادر به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای علمی به دانشجویان و استادان نیست (قانع‌راد، ۱۳۸۵: ۱۰۷). تا جایی که ضعف و کاستی در فضای انتقال هنجارهای اخلاق حرفه‌ای علم زمینه‌ساز بروز انواع هنجارگریزی و هنجارشکنی اخلاقی در سطوح گوناگون نهاد آموزش عالی و علم در ایران شده است.

از آن جایی که اجتماعات علمی را کانون فعالیت‌های علمی می‌دانیم و علم را یک حرفه تلقی می‌کنیم، بر این باوریم که مسئولیت‌های اجتماعی بسیاری متوجه اجتماعات علمی است. چنین فرض می‌شود که اجتماع علمی «نهادی غیررسمی متشکل از کنشگران علم و تعاملاتی است که نظامی حرفه‌ای از صلاحیت‌ها، معیارها، هنجارها، روال‌ها و قواعد خاص خود را مستقر می‌سازد» (فراستخواه و قانع‌راد، ۱۳۸۶: ۶). به تعبیر دورکیم، «فعالیت یک حرفه‌ی معین را فقط گروهی که به حد کافی با آن حرفه نزدیک هستند و قادرند طرز کار آن را خوب بشناسند و همه‌ی نیازهایش را حس کنند و همه‌ی تغییراتش را پی بگیرند، می‌توانند به‌نحو مؤثری به زیر قاعده و نظم درآورند» (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۳). از همین روی، صیانت از آن نظم و قواعد مسئولیتی جمعی و گروهی است.

۱. برای نمونه نک. فراستخواه، ۱۳۸۵؛ فرهود، ۱۳۸۶؛ حری، ۱۳۹۰؛ پیران، ۱۳۸۹؛ ذاکر صالحی، ۱۳۸۹؛ قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳؛ میرزایی و قاراخانی، ۱۳۹۳.

اعضای اجتماع حرفه‌ای علم باید همان قدر که مشتاق بحث در مورد جنبه‌های پژوهش و مسائل مرتبط با آن مانند بودجه، آموزش و تعیین خط‌مشی‌ها هستند، به شرافت علم نیز به‌عنوان بخشی از زندگی حرفه‌ای توجه داشته باشند (Caelleigh, 2003: 226). در واقع، برای قضاوت‌های اخلاقی مرتبط با یک حرفه‌ی خاص، مانند علم، باید به اهداف آن حرفه، تعامل میان اعضای آن حرفه و تعامل میان اعضای آن حرفه و جامعه توجه داشت (Resnik, 1998: 54). به نظر ما اجتماع علمی «نهادی مدنی و دارای نظام هنجاری و تعاملاتی خاص و مورد وفاق کنشگران علم برای فعالیت علمی است» و اخلاق حرفه‌ای علم نیز «مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط ایجابی و سلبی حرفه‌ای پذیرفته‌شده در اجتماع علمی و راهنمای کنشگران در فرایند آموزش، پژوهش، نشر و کاربرد علم است» (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۷). در واقع یک نظام اخلاقی راهنمای کنش‌های علمی و یک نظام تعاملاتی مورد وفاق کنشگران علمی ارکان اصلی یک اجتماع علمی هستند.

انجمن‌های علمی^۱ «به‌عنوان نماینده‌ی حرفه» (Bird, 1998: 316) نمودی عینی از ساختار اجتماع علمی و تبلوری از ویژگی‌های مطرح‌شده درباره‌ی اجتماعات علمی‌اند که در شرایط اجتماعی خاصی ظهور کرده‌اند. به گفته‌ی وستفال، اروپای سده‌ی هفدهم شاهد تشکیل انجمن‌های علمی بود که خود نشانه‌ای از قدرت فزاینده‌ی جنبش علمی بودند. نهادهای خودجوشی که آموزشی نبودند، بلکه سازمان‌هایی بودند که علم را به پدیده‌ای فکری و نیز جامعه‌شناختی تبدیل کردند. آکادمی لینیچی که در نیمه‌ی اول سده‌ی هفدهم در روم شکوفا شد قدیمی‌ترین سازمان شناخته‌شده‌ای است که شاید بتوان آن را انجمن علمی نامید. آکادمی لینیچی، که ساختی غیررسمی داشت و تقلیدی از گروه‌های ادبی انسان‌گرایان ایتالیایی بود، تجمعی از دوستان همفکر به شمار می‌آمد که در آن می‌شد درباره‌ی موضوع‌های فلسفه‌ی طبیعی بحث کرد. در

۱. این مفهوم معادل scientific society آورده شده است (در این باره نک. Bird, 1998). Bullock & Panicker, 2003). در برخی منابع معادل scientific association نیز آمده است. در این کتاب به هر دو معادل توجه شده است.

کشورهای دیگر اروپای غربی گروه‌های غیررسمی شبیه آکادمی لینچی در نیمه‌ی نخست قرن هفدهم ایجاد شدند (وستفال، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۸). جیمز کونت قرون هفدهم و هجدهم را قرن انجمن‌های علمی می‌داند. فرهنگستان علوم ایتالیا اولین فرهنگستانی است که در سال ۱۶۰۳ پایه‌گذاری شد. پس از آن انجمن سلطنتی انگلیس یا لندن در سال ۱۶۶۰ بنا شد و در سال ۱۶۶۲ لقب سلطنتی گرفت. فرهنگستان علوم پاریس در سال ۱۶۶۶، فرهنگستان علوم برلین در سال ۱۷۰۰ و جامعه‌ی فلسفی فیلادلفیای امریکا در سال ۱۷۴۰ پایه‌گذاری شدند. به دنبال تشکیل انجمن‌های مذکور پایه‌گذاری دیگر انجمن‌های علمی سرعت گرفت تا جایی که در سال ۱۷۹۰ شاهد حضور حدود ۲۲۰ فرهنگستان علوم بوده‌ایم (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۲). رشد علوم تجربی در قرن هجدهم زمینه‌ی تشکیل انجمن‌های علمی تخصصی را فراهم ساخت. انجمن‌های علمی در اروپا و امریکا به طور عمده از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم گسترش یافتند. امروز انجمن‌های علمی فعالیت خود را، فراتر از مرزهای ملی، به سطح منطقه‌ای و بین‌المللی گشاده‌اند (مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا، ۱۳۸۸: ۳۸).

در تعریفی که از انجمن‌های علمی ارائه می‌شود «آن‌ها را سازمانی تخصصی برمی‌شمرند که بر اساس توافق و شرکت داوطلبانه‌ی گروهی از افراد متخصص در یک رشته‌ی علمی شکل می‌گیرند و به بخشی از روابط موجود و کنش متقابل نقش‌های علمی که به صورت مجموعه‌ای از ساخت‌ها و روابط رسمی و غیررسمی، پایدار و ناپایدار در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد، انسجام می‌بخشند» (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۱). بر مبنای این تعریف، «انجمن‌های علمی از سویی خود محصول این همکاری و ارتباط هستند و از سویی دیگر در جهت ایجاد گسترش و تعمیق و تسهیل ارتباطات علمی ایفای نقش می‌کنند» (همان: ۸۲). لزوم تصمیم‌گیری و مدیریت مشارکتی (آراسته، ۱۳۸۳: ۲۵) و نیاز به ارتباط در میان دانشمندان (وستفال، ۱۳۸۷: ۱۶۴) به مثابه اجتماعات حرفه‌ای از نقش‌های مهم انجمن‌های علمی ذکر شده است. نقش حرفه‌ای دانش‌محور انجمن‌های علمی را به طور خلاصه می‌توان «بازآموزی، ارتباطات علمی، آموزش، پژوهش و مشاوره» دانست (آراسته، ۱۳۸۳: ۲۵). یا این که نقش‌ها را به

گستره‌ای از دیگر کارکردهای انجمن‌ها بسط داد که شامل: ۱. ایجاد ارتباطات علمی؛ ۲. تعیین و هدایت اولویت‌های تحقیقاتی در میان اعضای انجمن‌ها؛ ۳. ایجاد و اعمال هنجارها و استانداردهای علمی؛ ۴. دفاع از منافع حرفه‌ای دانشمندان در جامعه؛ و ۵. کنترل نسبی بر کاربرد نتایج تحقیقات علمی در جامعه نیز می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۳) که همگی به‌عنوان نقش حرفه‌ای انجمن‌های علمی به‌مثابه اجتماعات علمی حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شوند.

در دوره‌ی معاصر، انجمن‌های علمی به‌عنوان منبع مهمی از هویت حرفه‌ای برای دانشمندان عمل کرده‌اند. دانشمندان عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای را راهی برای ملاقات و برقراری کنش متقابل با همکاران‌شان و نیز به‌عنوان اجتماعی برای ارائه‌ی کارهای‌شان می‌دانند (Frankel & Bird, 2003: 139). به گفته‌ی فرانکل و برد، دانشمندان در یک رشته‌ی خاص نه‌تنها معمولاً پیشینه‌های آموزشی مشترک دارند، بلکه در مجلات مشابه نیز مقاله چاپ می‌کنند، پیشنهادهای تأمین بودجه‌ی یکدیگر را ارزیابی می‌کنند، به مبادله‌ی دانشجویان و آموزش‌گیرندگان می‌پردازند و برای آن‌ها معرفی‌نامه‌هایی صادر می‌کنند و یک «شرح درس پنهانی»^۱ را به اشتراک می‌گذارند. در نتیجه، انجمن‌های علمی با ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش زسمی و غیررسمی در زمان مناسب از طریق تدوین معیارها و قراردادهای اجتماعی حرفه‌ای اعمال نفوذ قابل توجه‌ای بر همتایان دارند. به گفته‌ی امانوئل (۱۹۹۵) انجمن‌های علمی همچون یک حرفه‌ای از طرف حرفه‌ی خود صحبت می‌کنند و جایگاه خاصی در میان افراد علاقه‌مند دارند و مسئولیت ویژه و سنگینی در قبال شناخت و ترویج استانداردها برای حفظ انسجام علمی بر عهده می‌گیرند (as cited in Bird, 1998: 316). فرانکل و برد، با ارائه‌ی فهرستی از کارکردهای انجمن‌های حرفه‌ای، آن‌ها را بستر ایده‌آلی می‌دانند که همتایان می‌توانند از طریق آن‌ها ارزش‌ها و معیارهای حرفه‌ای خود را شفافیت بخشند، انتظارات مربوط به رفتار همکاران‌شان را تصریح کنند و به منظور سازگاری بر یکدیگر تأثیر بگذارند. آن‌ها اغلب ضرورت توسعه‌ی کدنامه‌های اخلاق حرفه‌ای یا خطوط راهنمای اخلاقی را تشخیص

می‌دهند و علاوه بر آن تنوعی از فعالیت‌ها و استراتژی‌ها را به منظور اجرای مسئولانه‌ی پژوهش انجام می‌دهند (Frankel & Bird, 2003: 140).

انجمن‌های علمی می‌توانند ظرفیت‌های خود را برای تبدیل به یک اجتماع علمی تکوین‌یافته و دستیابی به اجماع هنجاری و اخلاقی در فضای علم به کار گیرند. آن‌ها با فراهم کردن زمینه‌ی توسعه‌ی ساختارهای تعاملاتی و هنجاری می‌توانند به خلاقیت فکری و توسعه‌ی علم در ایران کمک کنند. نقش انجمن‌های علمی در توسعه‌ی هنجارهای اخلاق حرفه‌ای و ضمانت اجرایی آن به این دلیل مطرح است که چنین فرض می‌شود که فضای تعاملاتی درونی آن‌ها به دور از سلسله‌مراتب سازمانی و بوروکراتیک است. به نظر اندرسون و شولتز (۲۰۰۳)، برخلاف بسیاری از تحلیل‌های ابتدایی از اخلاق آکادمیک که در پژوهش‌های پیشین ارائه می‌شد و نیز نشریات عامیانه که بیش‌تر بر نقش فرد تأکید داشتند، در حال حاضر بر محیط فعالیت علمی و تأثیرش بر رفتار اخلاقی تأکید بیش‌تری می‌شود. چنان‌که مانند یک «مسئله‌ی اجتماعی» دیده می‌شود (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۷). این تأکید بر محیط علم منجر به توجه بیش‌تر به نقش انجمن‌های علمی در بحث از حرفه‌گرایی و رعایت شرافت علمی شده است.

در حالی که دانشمندان طی دوره‌ی حرفه‌ای و شغلی‌شان اغلب از دانشگاهی به دانشگاهی یا از آزمایشگاهی به آزمایشگاهی دیگر می‌روند، ممکن است یک انجمن علمی تخصصی را به‌عنوان موطن حرفه‌ای اصلی در نظر گیرند؛ سازمانی که اعضایش اغلب علایق پژوهشی‌شان را با هم به اشتراک می‌گذارند، کار یکدیگر را می‌فهمند و می‌توانند با یکدیگر برای پیگیری اهداف مشترک رشته و حوزه‌ی تخصصی‌شان کار کنند. انجمن‌های علمی به غایت رشته‌ها و اجتماعات‌شان توجه می‌کنند و به خاطر ماهیت وجودی خودشان هم که شده بایست خواهان حفظ استانداردهای ارزشمند اخلاقی باشند. انجمن‌های علمی افرادی را در مجموعه‌ای از ارزش‌های معطوف به فعالیت مشترک در یک رشته یا اشتراک در تاریخ و سنت‌های جامعه گرد هم می‌آورند. از این رو، فعالیت‌ها می‌تواند در زمینه‌ای با ارزش‌های مشترک انجام شود

(Caelleigh, 2003: 230). اهل علم اغلب عضو یکی از انجمن‌های علمی اصلی‌اند و در نشست‌های سالانه، جلسات و مجلات انجمن‌ها مشارکت دارند. این وضعیت فرصتی برای ملاقات‌های حرفه‌ای ایجاد می‌کند و سبب می‌شود تا انجمن‌های علمی سهم عمده‌ای در آموزش و نظارت بر اخلاق حرفه‌ای داشته باشند. به گفته‌ی آیورسون و همکارانش (۲۰۰۳) انجمن علمی در جایگاهی است که می‌تواند با پرداختن به طیفی از کنش‌ها ارتقای رفتار مسئولانه را در پژوهش محقق کند. انجمن‌های علمی به‌عنوان یک گروه هنجاری مرجع نقش برجسته‌ای در زندگی حرفه‌ای اعضا دارند و به‌عنوان نهادهای مستمر و بادوام متولیان ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق برای اعضایشان هستند؛ نهادی که به واسطه‌ی اعضایش شکل گرفته است و در مسیر کمک به نسل‌های بعدی دانشمندان جایگاه ویژه‌ای برای تحقق ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق دارد (Iverson et al., 2003: 141).

انجمن‌های علمی و مهندسی نهادهای متمایز و به‌سادگی قابل تشخیصی هستند و به‌عنوان موجودیت‌های مستقل، دیرپا، باثبات و مشهود، در نقش متولیان ارزش‌های اصلی و سنت‌های متمایز رشته عمل می‌کنند. انجمن‌ها، به جای این‌که خود را تنها در زمره‌ی اعضای سنتی در نظر گیرند و صرفاً نقش تکنسین داشته باشند، خود را به‌مثابه مرجع مهمی برای شناسایی دانشمندان و مهندسان می‌دانند. به‌اشتراک گذاشتن هنجارهای حرفه‌ای مناسب و انتقال آن‌ها از طریق انجمن‌های علمی به دانشمندان مستقل و پراکنده می‌تواند ابزار مؤثری برای پیوند علایق فردی به اهداف جمعی در رشته‌ی علمی تلقی شود. از آن‌جایی که حرفه به‌طور بیولوژیکی نسل بعدی دانشمندان را تولید نمی‌کند، و این‌کار در اجتماع صورت می‌گیرد، بنابراین، رفتار اعضای مستقل و پراکنده می‌تواند به مرور زمان و به واسطه‌ی ارجاع به حرفه توضیح داده شود (Frankel, 1993). تقریباً در اغلب متونی که به وظایف حرفه‌ای انجمن‌ها پرداخته‌اند بر این‌که انجمن‌ها مجموعه‌ای از ارزش‌های مبتنی بر رشته‌ی علمی و نیز ارزش‌های تاریخی و سنتی جامعه را به اعضا انتقال می‌دهند تأکید شده است. اگرچه در چند دهه‌ی گذشته به‌ویژه از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۸۰ به این‌سو

انجمن‌های علمی زیادی در ایران مجوز فعالیت گرفتند، از تاریخ تشکیل انجمن‌های علمی در ایران اطلاع دقیقی نیست. به نظر می‌رسد «پیش از تشکیل انجمن‌های علمی، انجمن‌های صنفی که فعالیت علمی نیز داشته‌اند به وجود آمده‌اند» (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۵).

طبق گزارش‌های موجود، اولین انجمن‌های علمی در ایران انجمن فیزیک ایران و انجمن شیمی ایران بودند که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی تشکیل شدند و تا سال ۱۳۲۰ افراد معدودی به‌طور مقطعی در آن فعالیت داشتند. در آن زمان قانون خاصی برای تأسیس انجمن‌های علمی وجود نداشت، اما قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ مقرر کرده بود تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری با ثبت در وزارت عدلیه به‌عنوان شخصیت حقوقی قلمداد شوند و تأسیس انجمن‌های علمی نیز مشمول نظام‌نامه‌ی قانونی وزارت عدلیه می‌شد. در سال ۱۳۳۷ موادی از قانون تجارت اصلاح و ثبت تشکیل مؤسسات غیرتجاری مانند امور علمی و ادبی و خیریه‌ای نیز تدوین شد. در مرور تاریخی فعالیت اجتماعات علمی در ایران گفته می‌شود که کانون مهندسان ایران در سال ۱۳۲۰ و انجمن ماما‌های ایران در سال ۱۳۲۳ تشکیل شده است. انجمن گروه پزشکی خلیج فارس با مشارکت پزشکان ایرانی و خارجی در سال ۱۳۲۷ در منطقه‌ی خلیج فارس تشکیل شد. انجمن‌های علمی گروه فنی مهندسی و انجمن نفت ایران در سال ۱۳۳۷ در پی فعالیت‌های صنعتی و اهداف علمی تأسیس شدند. سایر انجمن‌های علمی این گروه از سال ۱۳۵۰ به بعد تأسیس شده‌اند (مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). طرح تشکیل انجمن‌های علمی و حمایت از آن‌ها در سال ۱۳۴۹ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی پیشنهاد شد و در چهارمین شورای هماهنگی دانشگاه‌ها به تصویب رسید. انجمن فیزیک اولین انجمنی بود که پس از تصویب این طرح با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری^۱ در سال ۱۳۴۹ تأسیس شد. بهبود روش تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها، ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های آموزشی

۱. در سراسر این کتاب هرجا از عنوان مختصر «وزارت علوم» استفاده شده، منظور همان «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» است.

و پژوهشی دستگاه‌های تابعه، فراهم ساختن تبادل نظر و برخورد عقاید اعضای هیئت علمی آموزش عالی، ایجاد تحرک در مؤسسات علمی کشور و فراهم کردن زیربنای لازم برای تحقیقات از اهدافی بود که از سوی وزارت علوم برای تشکیل انجمن‌های علمی عنوان شده بود (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۶).

به طور کلی، روند شکل‌گیری انجمن‌های علمی در ایران را به چند دوره تفکیک می‌کنند. تا سال ۱۳۴۰ را دوره‌ی اول فعالیت انجمن‌های علمی می‌دانند. دوره‌ی دوم فعالیت انجمن‌های علمی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ است که حدود ۷۸ انجمن تأسیس شد. طبق گزارش مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا (۱۳۸۸) پس از انقلاب ۱۳۵۷ هیئت وزیران دولت موقت در وزارت کشور در تاریخ هشتم مرداد ۱۳۵۸ صدور پروانه برای انجمن‌های علمی و مؤسسات غیرانتفاعی مجامع غیرسیاسی را به عهده‌ی شهربانی گذاشت. از سال ۱۳۶۰ پس از تصویب قانون «فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، صنعتی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده» انجمن‌ها در شمول این قانون قرار گرفتند. از سال ۱۳۶۲ مسئولیت انجمن‌های علمی به دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت فرهنگ و آموزش عالی واگذار شد. در سال ۱۳۶۶ اگرچه آیین‌نامه‌ی صدور مجوز برای تأسیس انجمن‌های علمی کشور تدوین شد، تأسیس انجمن‌های علمی با دشواری‌هایی روبه‌رو بود. در سال ۱۳۷۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی با تصویب ماده‌ای در خصوص فعالیت انجمن‌های علمی، صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی، ادبی و هنری را برحسب مورد به یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهداشت و درمان و آموزش پزشکی؛ یا فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار کرد. به این ترتیب کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، که از سال ۱۳۷۰ در معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شده بود، ذیل چهار گروه علوم پایه، فنی و مهندسی، علوم انسانی و کشاورزی به انجمن‌های علمی مجوز فعالیت داد.

در روایت تقریباً مشابه دیگری تاریخچه‌ی انجمن‌های علمی در ایران مجدداً به سه دوره تقسیم شده است: دوره‌ی قبل از ۱۳۴۰ که به علت تعداد اندک متخصصان در یک رشته فعالیت‌ها فقط شامل نشست‌ها و جلسات چند

متخصص بود. نظیر جامعه‌ی شیمی‌دانان ایران، کانون مهندسان ایران و مجمع وکلای دادگستری. در دوره‌ی دوم شامل فعالیت انجمن‌های علمی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ است که نقش وزارت علوم در تشکیل انجمن‌های علمی کاملاً محسوس است. و سال ۱۳۴۹ که شمار انجمن‌ها به ۷۸ رسید. در سال‌های انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت‌های فوق‌تا حدودی با وقفه روبه‌رو شد، اما پس از آن سال فعالیت آن‌ها دوباره آغاز شد. دوره‌ی سوم از سال ۱۳۷۰ با مصوبه‌ی دویست و شصت و دومین جلسه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ هشتم آبان‌ماه ۱۳۷۰ آغاز می‌شود. بر اساس این مصوبه صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی در حیطه‌ی اختیارات کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری قرار می‌گیرد (کمیسیون انجمن‌های علمی، ۱۳۸۹: ۱). در حال حاضر بیش از سیصد انجمن علمی در ایران در گروه‌های تخصصی علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، بین‌رشته‌ای و هنر وجود دارد که برای آن‌ها در ساختار علمی کشور جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

توجه به کارکردهای اصلی انجمن‌های علمی از جمله مشاوره به دولت، انتقال تکنولوژی و چانه‌زنی با ساختار دولتی، حفظ سنت‌ها، هنجارها و اخلاق حرفه‌ای در هر رشته، ایجاد آیدنولوژی علمی و خلیقات به قصد تقویت تعامل علمی با دانشمندان، ایجاد هویت عاطفی و حقیقت‌آفرینی از جمله وظایفی است که شارع‌پور و فاضلی (۱۳۸۶) در کتاب *جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی* به آن اشاره کرده‌اند. اما مطالعه‌ی آسیب‌شناسانه‌ی عبداللهی (۱۳۸۱) به فاصله‌ی انجمن‌های علمی در ایران از اهداف استراتژیک خود و نیز عملکرد ضعیف آن‌ها در نقش علمی و صنفی‌شان اشاره می‌کند. او از دیدگاه جامعه‌شناختی انجمن علمی را «نوعی نهاد مستقل که از به هم پیوستن یا اجتماع آگاهانه و داوطلبانه‌ی اصحاب یک رشته‌ی علمی پدید می‌آید تا از طریق تعامل آزاد، خردمندانه و به دور از سلطه بتواند بین صاحبان هر تخصص زمینه‌ی لازم را برای پیشبرد علم و تنظیم و ترویج اصول و قواعد جمعی یا اخلاق کار و فعالیت و پیوند علم و عمل در آن رشته‌ی علمی فراهم نماید» تعریف می‌کند. عبداللهی، اهداف انجمن علمی را به‌عنوان نهادی مستقل برای

رهبری علمی و صنفی کنشگران یک تخصص در دو محور اهداف علمی - رشته‌ای و اهداف حرفه‌ای تفکیک می‌کند. تنظیم اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق کار به عنوان یکی از کارکردهای انجمن‌های علمی است که عبداللهی به درستی اهمیت آن را درک می‌کند، به آن توجه دارد و به عنوان یکی از اهداف حرفه‌ای انجمن‌ها بیان می‌کند.

سوی مطالعات کارکردی و آسیب‌شناسانه‌ی انجمن‌های علمی در ایران، که به نقش و جایگاه انجمن‌های علمی می‌پردازد، برخی پژوهشگران نیز یافته‌هایی مبنی بر انتظارات و توقعات انجمن‌های علمی برای مشارکت در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری علم در ایران به دست داده‌اند. به نظر فراستخواه و قانع‌راد (۱۳۸۶) مسئولان انجمن‌های علمی انتظار دارند نقش فعالی در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی داشته باشند. زیرا آن‌ها خود را دارای توانمندی حرفه‌ای می‌دانند و اذعان دارند که برخورداری نظام سیاست‌گذاری علمی در ایران از مشارکت فعال انجمن‌های علمی، نه تنها بر کارایی و اثربخشی سیاست‌های نظام علمی نقش دارد، بلکه در بهبود عملکرد انجمن‌ها در سایر ابعاد نیز اثرگذار است. ظهور انجمن‌های علمی ایران و گسترش آن‌ها را می‌توان نقطه‌ی قوتی برای توسعه‌ی علم به مثابه یک فعالیت مدنی در ایران در نظر گرفت.

سیاست‌های بالا به پایین و کمیت‌گرایی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران دامنگیر انجمن‌های علمی نیز شده است و حتی بر همین مبنا نیز شرایط مناسبی ندارند. خلیفه سلطانی (۱۳۸۸) در بررسی عملکرد انجمن‌های علمی با سه شاخص (۱) تولیدات علمی (کتاب اعم از تألیف و ترجمه، نشریه (گاهنامه، خبرنامه، ماهنامه، فصلنامه و سالنامه) و نیز زبان انتشارات (ملی و فراملی) نظم انتشارات، تیراژ، درج علمی نشریه، (۲) آموزش و گردهمایی (تعداد کارگاه، دوره‌های آموزشی، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی) و (۳) کارکردهای علمی (تعداد شعب، تعداد اعضای حقیقی و حقوقی، تعداد کمیته‌های تخصصی، اعطای بورس تحصیلی، اهدای جوایز و حمایت محققان) که از طریق پیمایش با اعضای ۴۵ انجمن علمی از گروه‌های مختلف انجام شده بر این یافته صحنه می‌گذارد که بسیاری از شاخص‌های تعیین‌کننده

برای تصمیم‌گیری‌های علمی از طریق شبکه‌ی سیاست‌گذاری سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ - که در آن‌ها انجمن‌های علمی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محسوب شده‌اند - شرایط مناسبی نداشته است. در نقطه‌ی مقابل تحلیل پیش‌گفته، قدیمی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی ارزیابی عملکرد انجمن‌های علمی ایران و شبه‌قاره‌ی هند» با ارزیابی عملکرد انجمن‌های علمی ایران و مقایسه‌ی آن با انجمن‌های علمی هند طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ با توجه به ساختار انجمن‌های علمی برحسب گروه‌های تخصصی‌شان؛ تولیدات علمی (مجله، خبرنامه، کتاب)؛ ارزیابی فعالیت‌های ترویجی، ارزیابی ارتباطات بین‌المللی؛ بررسی تطبیقی قانون تأسیس انجمن‌های علمی و ارزیابی سایر فعالیت‌های آن‌ها (ارتباط با دستگاه‌های اجرایی، مشاوره و حکمت علمی) روند مثبتی را در عملکرد انجمن‌های علمی ایران دیده و ادعا کرده است که میان گروه‌های علمی و افزایش تعداد انجمن‌های علمی تناسب وجود دارد. البته این نتیجه‌گیری هم بیش‌تر بر بعد کمی و رشد انجمن‌های علمی و فعالیت‌های‌شان تأکید دارد. در پژوهش دیگری، ملک (۱۳۸۸) به شناسایی سه عامل وضعیت علوم انسانی، ویژگی‌های نظام سیاست‌گذاری و ویژگی‌های انجمن‌های علمی در ممانعت از ایفای نقش مؤثر انجمن‌های علمی به‌ویژه در نظام سیاست‌گذاری علم می‌پردازد. به نظر وی، نظام سیاست‌گذاری علمی و وضعیت انجمن‌های علمی علوم انسانی خود به‌عنوان عواملی بازدارنده در فرایند تکثرگرایی در سیاست‌گذاری علم عمل می‌کنند.

چنین به نظر می‌رسد که ظرفیت مدنی و مشارکت نهادی انجمن‌های علمی در ساختار نظام علمی کشور در پایین‌ترین سطوح آن تعریف شده است و به همه‌ی قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که انجمن‌های علمی بالقوه از آن برخوردارند و نظام علمی کشور می‌تواند از آن بهره‌مند شود توجه نشده است. چنانچه یکی از کارکردهای اصلی که از انجمن‌های علمی انتظار می‌رود تقویت فضای هنجاری علم و ارتقای شرافت علمی است.

با فرض کاستی‌ها و آسیب‌های پیش روی انجمن‌های علمی ایران و شرایط هنجاری که خود آن‌ها در آن قرار دارند، هم‌چنان امیدوارانه بر این باوریم که

استقلال نسبی انجمن‌های علمی به آن‌ها امکان دهد تا، به‌رغم محدودیت‌های هم‌ایجابی و هم‌سلبی، در مسیر ارتقای اخلاق حرفه‌ای و صیانت از علم و دانش معتبر تلاش کنند و این مسئولیت را برای انجمن‌های علمی هر رشته ماهوی می‌دانیم. به گفته‌ی لویند و یتکوویچ (۲۰۰۳) دانشمندان می‌دانند درست و نادرست چیست و رعایت استانداردهای شرافت علم را مهم می‌دانند اما به هر روی ممکن است ناراستی‌هایی هم رخ دهد. انجمن‌های علمی برای پرداختن و اندیشیدن به ناراستی‌های علم باید توجه داشته باشند که جلوگیری یا کنترل کامل سوءرفتار ممکن نیست، بلکه باید درکی از میزان وجود این مسائل داشته باشند. اگرچه هر مصداقی از یک سوءرفتار را نباید به‌عنوان یک فاجعه‌ی اخلاقی تلقی کرد و میزان معمول و اندکی انحراف از هنجار، که معادل «خطای عادی» در کارهای مهندسی است، در هر عملکرد انسانی وجود دارد، با این حال، انجمن‌ها باید به درستی تمهیداتی بیندیشند که با چنین انحرافات مقابله کنند و آن‌ها را به حداقل برسانند، پیش از آن‌که آن سوءرفتار به تدریج سطح اخلاق رشته را تحلیل برد (Caelleigh, 2003: 226) و رویه‌ی ناراست و نابهنجار به هنجار رایج و غالب تبدیل و نهادینه و ساخت‌مند شود (نک. قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴). گام نخست برای دستیابی به این هدف آن است که انجمن‌های علمی در این مورد آگاهی داشته باشند و حساسیت‌های نظری و عملی نسبت به این موضوع برانگیخته شود. از این رو، «تشخیص دانش، نگرش و رفتار و موقعیت‌هایی که در آن‌ها ناسازگاری‌هایی بین دانش، نگرش و رفتار اتفاق می‌افتد باید ارزشمند تلقی شود» (Levine and Iutovich, 2003: 262). این تشخیص وقتی ارزشمند است که فضای اخلاقی اجتماع علمی و فعالیت‌هایی که برای بهبود آن انجام می‌شود نیز شناخته شود. موضوعی که مربوط به ضرورت نگارش این کتاب است.

استراتژی‌های پژوهش نقش انجمن‌های علمی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای

انتخاب روش مطالعاتی مناسب برای مطالعه‌ی نسبت انجمن‌های علمی و اخلاق علم موضوعی است که به روایی و پایایی پژوهش مربوط است. هر